مجله اقتصادی
شماره‌های ۳ و ٤، خرداد و تیر ۱۳۹۵، صفحات ۷٦-۵۳

بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آن‌ها

منوچهر مصطفی‌پور
کارشناس‌ارشد علوم اقتصادی
mostafapour@gmail.com

جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است که امنیت کشورها را تهدید می‌کند. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی درحوزه امنیت اقتصادی شده و جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد. جرایم اقتصادی و فساد در ایران به یکی از معضلات بسیار بزرگ کشور تبدیل شده و اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش‌ازپیش نمایان است. چالش‌هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی و بالطبع عدم تعیین مصادیق آن، پراکندگی و در برخی موارد نامناسب‌بودن قوانین، هماهنگی و ارتباط ضعیف بین نهادهای مسئول پیشگیری و مبارزه با جرایم اقتصادی، ضعف آمار و اطلاعات و ... در پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی و مبارزه با آن وجود دارد. تحقیق حاضر ارتباط برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی را با جرایم اختلاس، ارتشا و جعل، سرقت، تصرف عدوانی و مزاحمت و صدور چک بلامحل بررسی نموده که از جمله نتایج ارتباط معکوس بین حداقل دستمزد به قیمت ثابت ۱۳۹۰ با هر چهار جرم و ارتباط مثبت بین نرخ بیکاری با این جرایم می‌باشد. با توجه به بررسی ارتباط شاخص‌ها با جرایم اقتصادی و همچنین نتایج نظرسنجی، از جمله راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی می‌توان به ارائه تعریف قانونی جرم اقتصادی و تجمیع و پالایش قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی به‌منظور تسهیل امور پیشگیری و کنترل، توجه جدی به مقوله بیکاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب اشتغال‌زا جهت کاهش بیکاری به‌ویژه برای جوانان، تعیین حداقل دستمزد به‌صورت مناسب، کاهش نابرابری درآمدی از طریق سیاست‌های مناسب و اصلاح الگوی توزیع درآمدی در کشور، شفاف‌سازی فعالیت‌های مالی از طریق گزارش‌دهی دستگاه‌های مرتبط، اعمال اصلاحات مالی از طریق تعدیل قواعد مربوط به حفظ اسرار بانکی، ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به معاملات دولتی و طراحی و پیاده‌سازی سیستم اطلاعات یکپارچه مالی اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: جرایم اقتصادی، پیشگیری، اقتصاد جرم، ایران.

۱. مقدمه

جرم یک پدیده چندوجهی است و همواره مورد توجه جامعه‌شناسان، روانشناسان، حقوقدانان و اقتصادپژوهان بوده است. هرچند قدمت نظریه‌های اقتصادی و حقوقی درباره جرم‌شناسی به‌اندازه نظریه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیست، اما در حال حاضر به لحاظ اهمیت بحث، ذهن این متخصصان را به یک اندازه مشغول کرده است (صمدی و آماره، ۱۳۸۹).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

بدیهی است که بروز و گسترش جرم در یک جامعه، آثار زیانباری را به‌ویژه به لحاظ اجتماعی خواهد داشت. جامعه برای کاهش میزان جرم و جنایت، ناچار به تحمل هزینه‌های متعددی توسط بخش خصوصی و بخش عمومی است.

جرایم با ماهیت اقتصادی و مالی در بین جرایم مختلف، یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. توسعه فناوری‌های نوین از قبیل فناوری اطلاعات، شرایط و گستره جرایم اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. بروز و ظهورجرایم و مفاسد اقتصادی در جوامع، از مظاهر بدیهی نقش کارکنان دولت و دست‌اندرکاران حکومتی در این زمینه است و این موضوع به‌ویژه در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست.

با توجه به تعریف جرم در قانون مجازات اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که جرایم یا مفاسد اقتصادی به آن دسته از جرایم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌شوند و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم منجر به ثروتمند شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان توسط عده قلیلی از اشخاص یا مقاماتی می‌شوند که به‌واسطه بهره‌مندی و بعضاً بهره‌مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوءاستفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و روش‌های مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت‌های غیرقانونی و تبعیض‌آمیزند.

جرایم اقتصادی با زنجیره‌ای از جرایم دیگر در ارتباط هستند؛ جرایمی از قبیل ارتشاء، تطهیر درآمدهای نامشروع یا پولشویی، جعل اظهارنامه‌های گمرکی یا مالیاتی و در حالت سازمان‌یافته ایجاد اختلال در نظام اقتصادی که هر یک به نوبه خود قدرت فراوانی در تخریب منافع ملی و سرمایه‌های اجتماعی دارند. پول‌های بادآورده، به‌هم ریختن توازن اقتصادی، فرار سرمایه و به‌هم‌زدن برنامه‌های مدیران و مسئولان برای کنترل سلامت و امنیت جامعه و ... وجه مشترک همه انواع جرایم اقتصادی است.

۲. اهمیت مبارزه با جرایم اقتصادی و مبانی قانونی

عوامل متعددی موجب اهمیت مبارزه با جرایم اقتصادی در کشور شده‌اند. شرایط رشد اقتصادی کشور، برنامه‌های توسعه‌بخشی، حساسیت افکار عمومی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر جرایم اقتصادی بر رقابت‌پذیری و سایر مؤلفه‌های کسب‌وکار، حساسیت مقامات عالی نظام، الزامات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

سند چشم‌انداز و قوانین برنامه‌ای از جمله عواملی هستند که اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی را افزایش داده‌اند.

در قوانین فعلی کشور، قانون مجازات اخلالگران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس (مصوب ۱۳۷۵)، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی و در نهایت مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) برخی قوانین احصاءکننده جرایم اقتصادی هستند.

از مفاد قوانین حقوقی فوق‌الذکر استنباط می‌شود که در حال حاضر برخی مفاسد اقتصادی نظیر استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و پولشویی و امثالهم با قوانین جزایی موجود قابل تعقیب کیفری نیستند و این امر با توجه به اصل حقوقی قانونی‌بودن جرم و مجازات، دستگاه قضایی را در برخورد با مفسدان اقتصادی محدود می‌کند. با وجود این‌که در ماده (۴۶) بند "ج" و نیز ماده (۱۰۸) بند "ب" قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲) عیناً از جرایم اقتصادی، نام برده شده است، اما همچون برخی دیگر از اصطلاحات با خواستگاه جرم‌شناسی، هنوز دارای تعریف قانونی نیست. از این‌رو به‌نظر می‌رسد که قوه مقننه باید هرچه سریع‌تر با توجه به مقتضیات روز، قوانین جزایی جامعی را برای برخورد با مفسدین اقتصادی در موارد خلأهای قانونی به تصویب برساند (صمدی و آماره، ۱۳۸۹).

مصادیق و عناوین جرایم اقتصادی در متون حقوقی بسیار نادر و انگشت‌شمار است؛ زیرا در این معنا جرم اقتصادی تنها شامل مواردی می‌شود که قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین کرده است. اما در عرف اجتماعی عناوین و مصادیق مفاسد و جرایم اقتصادی انواع مختلف فعالیت‌های غیرقانونی را در برمی‌گیرد و شامل موارد متعددی است. در حال حاضر حدود ۲ هزار عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین کیفری ایران وجود دارد که بسیاری از آن‌ها می‌توانند از مصادیق جرایم اقتصادی به‌شمار آیند. دریافت تسهیلات غیرمجاز بانکی، عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی، زمین‌خواری، پولشویی، قاچاق کالا و ارز، احتکار، ربا و رباخواری، رشا و ارتشاء، اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، اخلال در نظام تولیدی کشور، قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی، تشکیل شرکت‌های مضاربه‌ای صوری، اخلال در نظام صادراتی کشور، تشکیل شرکت‌های هرمی، جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار (بورس)، اختلاس، دخالت در معاملات دولتی و مناقصه‌ها و مزایده‌ها، تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، دریافت پورسانت در معاملات دولتی، فرار مالیاتی، عدم دریافت مالیات و سایر حقوق

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

دولت از مؤدیان مالیاتی، بهره‌برداری نامشروع از اطلاعات موجود در سیستم دولتی به نفع شخصی برای فعالیت‌های اقتصادی توسط کارکنان دولت، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و تقلب و تبانی در گشایش اعتبارات ارزی را می‌توان به‌عنوان برخی از مهم‌ترین مصادیق جرایم اقتصادی ذکر نمود.

علل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش جرایم اقتصادی پیچیده و گسترده هستند. برخی از مهم‌ترین علل و عوامل وقوع جرایم اقتصادی شامل تبذیر و اسراف مسئولان، نابرابری، بی‌عدالتی، فاصله طبقاتی، عدم تطبیق درآمدها، محدود شدن راه‌های کسب‌وکار سالم، عدم همکاری و هماهنگی بین قوا، نهادها و سازمان‌ها، ضعف نظام اداری-اجتماعی- اقتصادی، عدم شایسته‌سالاری، عادی‌شدن تخلفات جزئی، فراهم‌شدن زمینه فعالیت برای افراد ناصالح، ناکارامدی و ضعف مدیریت نهادهای متصدی در برخورد با ناهنجاری‌ها و قانون‌شکنان، ضعف مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، حاکم‌نبودن قوانین شفاف، نهادینه نشدن نظارت و کنترل در همه سطوح، عدم رعایت منع کارمندان در معاملات دولتی، وجود دستگاه‌های عریض و طویل ناکارامد، عدم کارشناسی کافی در طرح‌های مهم دولتی، عدم اجرای قوانین مقررات و ضوابط، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، عدم شفافیت در برخی از مناقصه‌ها و مزایده‌ها، پرداخت‌های غیرقانونی از منابع و درآمدهای مبهم، عدم کنترل مالی و وجود حجم عظیم پول سیاه در برخی دستگاه‌ها، سهم زیاد شرکت‌های دولتی و شرکت‌های شبه‌دولتی در اقتصاد، عدم عزم در وصول مطالبات معوق دولتی از سازمان‌ها، ضعف نظام مالیاتی و گمرکی کشور، رهاکردن گلوگاه‌های اصلی، استفاده از کارگزاران ناآشنا و آموزش‌ندیده، ضعف نظام بانکی و پولی کشور، بوروکراسی‌های پیچیده، بسته‌بودن اطلاعات و عدم دسترسی به اطلاعات واقعی، فقدان امنیت شغلی، حمایت‌های حزبی، باندی و گروهی از متخلفان، عدم برخورد جدی با متخلف و ضعف نظام کیفری و قضایی، پایین‌بودن سطح معیشت و نبودن نظام تأمین اجتماعی مناسب و کارآمد و اعطای مجوزهای خاص به برخی افراد و نهادها می‌باشد.

۳. مروری بر مطالعات انجام‌شده

اغلب مطالعات داخلی، به‌صورت موردی نوع خاصی از جرایم اقتصادی از قبیل قاچاق، سرقت، اختلاس، رشوه و ... را مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر تحقیقی همه یا بیشتر جرایم اقتصادی را یکجا مورد مطالعه قرار داده است.

زمانی و بایاری (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان "نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش جرایم و مفاسد کلان اقتصادی" مهم‌ترین جرایم اقتصادی کشور را شامل رشاء و ارتشاء، اختلاس، پولشویی، تصرف املاک دولتی، تحصیل مال از طریق نامشروع، احتکار، قاچاق کالا، تبانی و تقلب

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در معاملات دولتی و ... عنوان کرده‌اند. یافته‌ها نشان داده‌اند که تمام شاخص‌های پیشگیری اجتماعی احصاءشده با شاخص‌های جرایم اقتصادی رابطه معنادار داشته و شاخص‌های ترویج روحیه توکل به خداوند، ارتقای باورهای دینی، ترویج فرهنگ قناعت‌پذیری و ارتقای روحیه قانون‌گرایی بیشترین تأثیر را در پیشگیری اجتماعی از جرایم اقتصادی دارند.

امین خاکی (۱۳۹۱) به شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه جرم فرار مالیاتی می‌پردازد. ابهام و پیچیدگی در قوانین و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های مالیاتی، همکاری ضعیف سازمان‌ها و شرکت‌ها با سازمان امور مالیاتی و فقدان ضمانت اجرایی لازم، انگیزه ضعیف برای پرداخت مالیات به‌واسطه قوانین و مسائل فرهنگی و رشد اقتصاد زیرزمینی به‌عنوان برخی از دلایل عدم تحقق درآمدهای مالیاتی در ایران ذکر شده‌اند. فعالیت‌های فرهنگی به‌منظور افزایش مشارکت در پرداخت مالیات، افزایش کارامدی دولت از طریق ارتقای توانمندی، تبلیغات و تشکیل کلاس برای مؤدیان، کاهش نرخ‌های مالیاتی توأم با گسترش پایه‌های مالیاتی و حذف یا کاهش تبعیض بین بخش خصوصی و دولتی از جمله راهکارهای پیشنهادی این مطالعه برای کاهش فرار مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی می‌باشند.

خضری، تربتی‌مقدم و نظری (۱۳۹۰) زمینه‌های فساد اقتصادی در مناقصه‌های دولتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مطالعه اشاره می‌کند که فساد اقتصادی در مناقصه‌های دولتی بیشتر به شکل رشوه‌دهی و رشوه‌گیری و در نتیجه تبانی بین مناقصه‌گذار و مناقصه‌گر یا افراد دخیل در این امر نمود می‌یابد و در همه مراحل انجام مناقصه امکان سوءاستفاده و درنتیجه بروز فساد وجود دارد. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز فساد اقتصادی در مناقصه‌های دولتی، زمینه‌های مربوط به ضعف سازوکارهای نظارتی است.

شمس‌ناتری و توسلی‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی"، استدلال کرده‌اند که انگیزه ارتکاب جرایم اقتصادی کسب منفعت در سطح گسترده و نتیجه مجرمانه آن اخلال در نظام اقتصادی کشور است. با توجه به دو شاخص مذکور، برای پیشگیری از جرایم اقتصادی ۷ راهکار اساسی شامل: رفع تعارض منافع، ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی، کاهش نقش دولت در حوزه تصدی‌گری، اعلام دارایی، ارتقای شفافیت در بخش دولتی، تعدیل قواعد مربوط به حفظ اسرار بانکی و ایجاد واحد اطلاعات مالی ذکر شده است. این تحقیق اشاره می‌کند که در سیاست جنایی ایران راهبردهای مختلفی در راستای پیشگیری از برخی مصادیق جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده است، با این‌حال در مورد برخی مصادیق یا مقرراتی پیش‌بینی نشده یا این‌که مقررات جاری بعضاً نظیر ماده (۱) قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، خود جرم‌زا هستند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

این مطالعه برای پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی در سیاست جنایی ایران سه راهکار کلی شامل راهکار تقنینی، راهکار اجرایی و راهکار اخلاقی را پیشنهاد داده است.

آقا و داس (۲۰۱۳) ابعاد جرایم اقتصادی را در کشور هند با توجه به جهانی‌شدن[1] و آزادسازی[2] بررسی نموده و روش‌هایی را برای کاهش آن پیشنهاد کرده‌اند. آن‌ها استدلال می‌کنند که مقررات ناسازگار فراوانی در هند وجود دارند که راه ارتکاب جرایم اقتصادی با استناد به برخی از آن‌ها هموار می‌شود. تعریف و بازنگری مفاهیم مرتبط با جرایم اقتصادی، اتخاذ تدابیر قانونی و اصلاحات سازمانی از لازمه‌های پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی در هند ذکر شده‌اند.

لیو، پواه و انت بنگ (۲۰۱۱) جرایم یقه‌سفیدها را در مالزی مورد مطالعه قرار داده‌اند. این مطالعه اشاره می‌کند ارتکاب جرایم یقه‌سفیدها در مالزی ناشی از این است که اشخاص و شرکت‌ها اعتقاد دارند سایر رقبا نیز برای برنده‌شدن در قراردادها رشوه پرداخت می‌کنند. از جمله سایر دلایل؛ ضعف در کنترل‌های داخلی، اشتیاق برای دریافت امتیازات شخصی و ضعف اخلاقی، کنترل اندک بر عملکرد مدیران، کسب نتایج مالی مناسب توسط مدیران ارشد، سختی رسیدن به اهداف مالی، تبانی کارکنان با ارباب رجوع، ترس از دست‌دادن شغل، تأثیر همکاران و عدم پرداخت مزایای سالانه ذکر شده‌اند.

بوسال (۲۰۰۹) در پایان‌نامه خود جهت دریافت درجه دکتراء جرایم اقتصادی را در کشور نپال مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق اشاره شده که جرایم اقتصادی در نپال موضوع تازه‌ای محسوب می‌شود و در این کشور تعریف روشنی از جرایم اقتصادی وجود ندارد و قوانین مربوط به آن نیز مشخص نیستند. در نپال لایحه مرتبط با جرایم اقتصادی تصویب شده، اما برای مقابله با مسائل پیچیده‌ای که با جهانی‌شدن اقتصاد و پیشرفت فناوری به‌وجود آمده کافی نیست. مؤسسات مختلفی در نپال وجود دارند که در ارتباط با بررسی جرایم اقتصادی فعالیت می‌کنند، اما به‌دلیل عدم ارتباط با یکدیگر از کارایی لازم برخوردار نیستند.

٤. تحلیل اقتصادی جرم

هیچ جامعه‌ای را بدون جرم نمی‌توان تصور کرد. جرم (کنش) در تمام ادوار تاریخ وجود داشته و در قبال آن مجازات (واکنش) نیز از سوی جامعه اعمال شده است. با این‌حال، همواره این سؤال وجود دارد که آیا واقعاً با مجازات می‌توان بر جرم غلبه کرد؟ در پاسخ باید گفت که هیچ‌گاه

1. Globalization
2. Liberalization

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

نمی‌توان مدعی شد که جرم را برای همیشه می‌توان از بین برد و ریشه‌کن کرد، بلکه فقط می‌توان از میزان و موارد آن کاست. البته کاهش جرم به شیوه‌های مختلف امکان‌پذیر است. با نگاه اقتصادی به پدیده جرم می‌توان گفت که مجازات‌ها باید به‌گونه‌ای تعیین شوند که هزینه‌های جرم را برای مجرم افزایش دهند؛ چرا که ارتکاب جرم را می‌توان به‌عنوان نتیجه تصمیم‌گیری اقتصادی فرد مجرم تلقی کرد، به‌طوری که وی با مقایسه منافع و هزینه‌های ناشی از جرم (یا فعالیت مجرمانه) تصمیم می‌گیرد که مرتکب فعالیت مجرمانه شود یا نه. بر این اساس اگر قوانین و مجازات‌ها به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شوند که هزینه‌های جرم را برای مجرم افزایش دهند، بر اساس تحلیل هزینه-فایده اقتصادی تصمیم به ارتکاب جرم و در نتیجه وقوع جرم در جامعه کاهش می‌یابد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

مجرمین مطابق با اصول اقتصادی رفتار کرده و به تحلیل هزینه‌های نهایی و سودهای نهایی فعالیت‌های مجرمانه توجه می‌کنند. مجرمین به‌عنوان عوامل اقتصادی، احتمال دستگیری، محکومیت و مجازات‌شدن را به‌عنوان هزینه پروسه فعالیت‌های جنایی در نظر می‌گیرند. این اشخاص اغلب به‌طور منطقی درمی‌یابند که این احتمالات حداقل در بسیاری از کشورها پایین است و در نتیجه به فعالیت‌های مجرمانه مبادرت می‌نمایند. با این تحلیل موضوعی تحت عنوان اقتصاد جرم به‌وجود آمده که علاوه بر تحلیل‌های هزینه-فایده فردی و اجتماعی، عوامل مختلف اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر وقوع جرم را نیز تحت پوشش و بررسی قرار می‌دهد. همچنین فرضیه‌ای تحت عنوان فرضیه بازدارندگی[1] شکل گرفته که کاربردی از قانون تقاضا[2] می‌باشد. این فرضیه بیان می‌کند که افراد به‌طور قابل‌توجهی به انگیزه‌های ایجادشده به‌وسیله سیستم دادگستری جنایی پاسخ می‌دهند. بنابراین افزایش در منابعی که جامعه صرف دستگیری، محکومیت و جریمه مجرمین می‌کند هرچند که مستلزم افزایش هزینه‌های عمومی است، می‌تواند احتمال ارتکاب جرایم را کاهش دهد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

نظریه‌پردازان بزرگ جنایی نیمه دوم قرن ۱۸ نظیر بکاریا[3] و بنتام[4] به وجه سودمندی جرایم توجه داشتند، اما با توجه به فقدان داده‌های تجربی و عدم استفاده از روش‌های علمی برای بررسی چنین داده‌هایی، تجزیه و تحلیل آن‌ها صرفاً نظری بوده است.

1. Deterrence Hypothesis
2. Demand Law
3. Cesare Marquis Beccaria-Bonesana
4. Jeremy Bentham

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

مطالعات در خصوص اقتصاد جرم به سال ۱۸۲۹ برمی‌گردد که نخستین بار فردی به‌نام ادوین چادویک[1] جرم را از دیدگاه اقتصادی بررسی نمود (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹). اقتصاددانی به نام فلیشر[2] در سال ۱۹۶۳ به تحلیل اقتصادی موضوع جرم و جنایت پرداخت و اهمیت ارتباط میان جرم و شرایط بازار کار و را از دیدگاه سیاست‌های عمومی مورد بررسی قرار داد. وی همچنین بر سایر کارکردهای بازار کار مانند تعیین دستمزد و نحوه توزیع آن که بر نحوه تخصیص زمان میان فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی تأثیر معناداری دارد، توجه و دقت کرده است. فلیشر نتیجه می‌گیرد که آزمون ارتباط میان نرخ جرم و بیکاری در کنار سایر متغیرهای توضیحی جرم مانند سن، حاکی از آن است که نرخ بیکاری بر جرم و جنایت در جوانان نقش مثبت و معناداری داشته که این نتایج به‌ویژه برای افرادی که دارای سن ۱۶ سال به بالا هستند با اعتماد بیشتری پذیرفته شده است. فلیشر در مطالعه بعدی خود در سال ۱۹۶۶ به بررسی نقش درآمد بر تصمیم‌گیری افراد در اقدام به جرم و جنایت پرداخته است. به بیان وی، نظریه اساسی در زمینه تمایل بیشتر افراد کم‌درآمد به جرم این است که پایین‌بودن درآمد موجب افزایش هزینه نسبی اختصاص زمان به کارهای قانونی می‌گردد، همچنین هزینه احتمالی ناشی از دستگیری، نسبتاً کم است چرا که آن‌ها (افراد با درآمد پایین) درآمد قابل توجهی را برای دوران زندگی خود در زمان اشتغال به کارهای قانونی متصور نبوده‌اند و هزینه فرصت زمان اختصاص به جرم و جنایت یا صرف مدت زمانی از زندگی در زندان چندان زیاد نیست. علاوه بر این فلیشر یادآور می‌شود که اگر درآمد بالقوه ناشی از ارتکاب جرم نیز افزایش یابد، به‌ویژه در جرم‌های مالکیتی از جمله دزدی، گرایش بیشتری به‌سمت جرم وجود خواهد داشت (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۴).

بکر (۱۹۶۸)، استیگلر (۱۹۷۰)[3] ، ارلیچ (۱۹۷۳)[4] و رینالدز (۱۹۸۰)[5] مطالعات اولیه را کامل‌تر کردند و با استفاده از علم اقتصاد، مجموعه‌ای از وسایل علمی و فنی در اختیار اقتصاددانان معاصر قرار دادند تا بتوانند تئوری‌های حقیقی اقتصاد جرم‌وجنایت را که مبتنی بر سودمندی فعالیت مجرمانه برای مجرم است تهیه کنند.

1. Edwin Chadwick
2. Fleisher
3. Stigler
4. Ehrlich
5. Reynolds

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در این میان ابتکار توضیح اقتصادی جرم و جنایت از آن اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل اقتصاد – گری بکر- می‌باشد. وی با مقاله‌ای که در سال ۱۹۶۸ ارائه کرد، پایه‌گذار تحلیل‌های اقتصادی رفتارهای جرم‌گرایانه بود. بکر بر این نکته تأکید نمود که جرم یک فعالیت یا صنعت اقتصادی مهم است. به عقیده وی، افراد بر اساس نظریه انسان عقلایی و با تحلیل هزینه-فایده این موضوع که عواید مادی و غیرمادی جرم با در نظرگرفتن احتمال دستگیری و مجازات و شدت آن‌ها نسبت به کارهای قانونی بیشتر است، مرتکب جرم می‌شوند. بکر تابع زیان اجتماعی ناشی از جرم را به‌صورت زیر تعریف می‌کند:

$$L = D(C) + TC(\pi, C) + bF\pi C \qquad (1)$$

که در آن D زیان ناشی از جرم، TC هزینه جستجو و دستگیری و $bF\pi C$ کل زیان اجتماعی از دست‌رفته به‌خاطر مجازات افراد است. در این میان تأثیر متغیرهای سیاستگذاری در دو متغیر π و F نهفته است که بیانگر کارایی سیستم امنیتی جامعه و میزان مجازات‌های در نظر گرفته‌شده است. با حداقل‌سازی تابع زیان اجتماعی نسبت به دو متغیر π و F می‌توان روابط مهمی را در زمینه میل افراد به جرم به‌دست آورد (حسینی نژاد، ۱۳۸۴).

بر اساس تئوری‌های عرضه و تقاضا در تحلیل جرم می‌توان فرض کرد که جرم نیز همانند یک کالای معمولی دارای عرضه و تقاضا و به‌عبارت دیگر دارای بازار است. از دید کلی بر اساس نظریات مختلف در زمینه جرم، بازار آن شامل دو مؤلفه عرضه و تقاضا بوده و علاوه بر آن یک مؤلفه جدایی‌ناپذیر از آن یعنی سیستم‌های امنیتی و قضایی جامعه است. همان‌طور که در تئوری مرسوم مصرف‌کننده بیان شده است، افراد از طریق حداکثرسازی مطلوبیت خود با لحاظ قید سطح درآمد (بودجه) قابل تصرف، میزان بهینه مصرف و تقاضای کالاها را با توجه به قیمت‌های نسبی آن‌ها مشخص می‌نمایند. به روش مشابه فرض می‌شود که مصرف‌کنندگان از مصرف جرم مطلوبیت کسب می‌نمایند و می‌توان مطلوبیت نهایی ناشی از مصرف جرم را با MUc نشان داد.[۱] می‌توان به‌راحتی استنباط نمود مصرف‌کننده تنها هنگامی جرم را به‌عنوان یک کالا مصرف می‌نماید که $MUc \geq P$ باشد. هرگاه P کاهش یابد، افراد بیشتری به مصرف جرم خواهند پرداخت چرا که MUc آن‌ها بیش از P خواهد شد. از سوی دیگر اگر P افزایش یابد، MUc برخی از افراد کمتر از P

۱. اگرچه به لحاظ مفهومی موضوع فوق شاید کمی انتزاعی‌تر از حد معمول به‌نظر برسد، اما به شیوه معادل می‌توان این سؤال را مطرح نمود که مصرف‌کننده حاضر است برای دسترسی به محصول جرم چقدر بپردازد و این مقدار را به‌عنوان کل منافع (مطلوبیت) وی قلمداد نمود. تغییر منافع کل مصرف‌کننده به‌ازای یک واحد تغییر در جرم، منافع (مطلوبیت) نهایی جرم را تشکیل می‌دهد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

شده و تقاضای آن‌ها برای جرم صفر می‌گردد که در نتیجه از بازار خارج شده و تقاضا برای جرم کاهش می‌یابد. با توجه به مباحث مطرح‌شده می‌توان تابع تقاضای جرم را برای یک فرد به‌صورت زیر تصریح نمود:

$$q_i^d = d_i[p(p_0, p_c, \pi), p_0, y_i] \qquad (۲)$$

که در آن P قیمت جرم است که تابعی از قیمت مستقیم، قیمت (یا هزینه) روانی (Pc) و هزینه مجازات‌ها π تعریف شده است. Po، قیمت سایر کالاها و y_i درآمد مصرف‌کننده (تقاضاکننده جرم) می‌باشد. بر اساس مطالب عنوان‌شده، علائم ایستای مقایسه‌ای[1] را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه نمود:

$$\frac{\partial q_i^d}{\partial p} < 0,\ \frac{\partial q_i^d}{\partial p_0} > 0,\ \frac{\partial q_i^d}{\partial y_i} = 0, \qquad (۳)$$

برای بررسی عرضه جرم می‌توان از دیدگاهی که بکر پایه‌گذاری نموده و پیش‌تر به آن اشاره شد، استفاده نمود. بکر در سال ۱۹۶۸ پایه‌های اولیه تحلیل‌های اقتصادی رفتارهای جرم‌گرایانه افراد را ارائه نموده است. بکر بر این نکته تأکید نمود که جرم یک فعالیت یا صنعت اقتصادی مهم است. به اعتقاد وی برخی از افراد به این دلیل مرتکب جرم می‌شوند که عواید مادی و غیرمادی جرم نسبت به فعالیت‌های قانونی با در نظر گرفتن احتمال دستگیری و میزان مجازات بیشتر است. بکر قالبی را طراحی نمود که در آن یک فرد عقلایی با مقایسه عایدی انتظاری ناشی از جرم نسبت به عایدی فرصت‌های کاری قانونی به اعمال خلافکارانه می‌پردازد. دیدگاهی که بکر مدنظر قرار می‌دهد به پیروی از تحلیل‌های نئوکلاسیکی مبتنی بر تئوری انتخاب پایه‌گذاری شده است، به‌نحوی که اگر مطلوبیت انتظاری ارتکاب جرم یک فرد بیشتر از مطلوبیتی باشد که وی از اختصاص زمان و سایر عوامل در فعالیت‌های قانونی به‌دست می‌آورد، محتمل است که وی مرتکب جرم شود. در این میان برخی از افراد نه به این دلیل که انگیزه اصلی آن‌ها نسبت به دیگران متفاوت است، بلکه به‌خاطر آن که هزینه‌ها و منافع آن‌ها متفاوت است مرتکب جرم خواهند شد.

1. Comparative Statics

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

با استفاده از اصول موضوعه فوق می‌توان عرضه جرم را به‌صورت تابعی از منافع انتظاری جرم و هزینه‌های آن دانست. این هزینه‌ها را که عبارتند از احتمال دستگیری (π) ، میزان مجازات‌ها (F) و سایر متغیرهای مهم (U) می‌توان به شکل زیر تعریف نمود:

$$q_i^s = o_j(p\ , \pi, F, U) \qquad (۴)$$

از آنجا که انگیزه ارتکاب جرم یا عرضه آن منافع یا سود مورد انتظار ناشی از آن جرم است، می‌توان انتظار داشت که با افزایش منافع جرم یا به‌عبارت دیگر قیمت آن، عرضه آن نیز افزایش یابد. از سوی دیگر اگر هزینه‌های ارتکاب جرم از قبیل احتمال دستگیری و میزان مجازات‌ها افزایش یابد، عرضه جرم کاهش خواهد یافت. حرکت بر روی منحنی عرضه جرم نشان‌دهنده تغییرات قیمت جرم است و انتقال این منحنی ناشی از تغییر عوامل غیرقیمتی مانند هزینه می‌باشد. در تحلیل‌های مرسوم اقتصادی، تعادل هنگامی رخ می‌دهد که تمایلی به تغییر وضعیت موجود در بازار وجود نداشته باشد. در این شرایط هر خریداری می‌تواند یک فروشنده برای کالای مورد نیاز خود بیابد و هر فروشنده‌ای برای کالای خود یک خریدار دارد. به‌این ترتیب تعادل هنگامی رخ می‌دهد که نیروهای عرضه و تقاضای بازار همدیگر را خنثی نمایند (حسینی نژاد، ۱۳۸۳).

از بعد هزینه- فایده نیز می‌توان میزان ارتکاب جرم را بر اساس احتمال دستگیری و مجازات و احتمال عدم دستگیری تحلیل نمود. با استفاده از تحلیل هزینه-فایده، فرد بین کسب درآمد از روش قانونی و ارتکاب جرم فعالیتی را انتخاب می‌کند که سودمندتر است. بر اساس تحلیل اقتصادی جرم، جرم اغلب در صورتی اتفاق می‌افتد که درآمد لاتاری مجرمانه بیشتر از دستمزد در بازار کار رسمی باشد. بنابراین حداقل دستمزد یکی از عمده‌ترین عوامل مؤثر بر جرم می‌باشد که دولت‌ها باید علاوه‌بر تلاش در جهت رفع بیکاری و ایجاد اشتغال، در پی دستمزدی متناسب با فعالیت‌های انجام‌شده توسط شاغلین یا جویندگان شغل باشند تا بتوانند از این طریق با تأمین معاش افراد و خانواده‌ها در کاهش وقوع جرایم نیز سهیم باشند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹).

بر اساس تئوری اقتصادی جرم، احتمال دستگیری نیز یکی از عوامل مؤثر بر جرم است. در واقع بکر در تحلیل اولیه خود راجع به جرم بر تبادل بین احتمال مجازات و شدت مجازات متمرکز است. به این معنا که هر دوی احتمال مجازات‌شدن و شدت مجازات‌ها تحت عنوان هزینه‌های فردی جرم در نظر گرفته می‌شوند. اگر در جامعه احتمال دستگیری و در نتیجه احتمال مجازات‌شدن مرتکبین جرم افزایش یابد، می‌تواند تأثیری مشابه افزایش شدت مجازات بر مجرم و در نتیجه تصمیم وی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

داشته باشد (البته برخی از جمله بکر معتقدند که از جنبه اقتصادی در پیشگیری از جرم، قطعی‌بودن دستگیری و مجازات بسیار مهم‌تر از شدت مجازات است) (بکر، ۱۹۹۵).

حال باید دید که چگونه می‌توان احتمال دستگیری را افزایش داد. با توجه به این‌که پلیس و قوه‌قضائیه اصلی‌ترین نهادهای مرتبط با جرم هستند، افزایش کارایی این نهادها می‌تواند منجر به افزایش احتمال دستگیری و مجازات و در نتیجه کاهش قوع جرم شود.

چنانچه فرد مجرم دستگیر نشود، تمام منافع حاصل از جرم عایدی وی از ارتکاب جرم خواهد بود که از ضعف در کشف جرم و مجازات مجرم ناشی می‌شود. در این خصوص ضعف صرفاً به نهادهای اجرایی مربوط نمی‌شود و ضعف در قوانین نیز می‌تواند زمینه‌ساز باشد. کاهش زمینه‌های فعالیت‌های غیررسمی می‌تواند در کنار تقویت کارایی نهادها و اصلاح یا تدوین قوانین مناسب، یکی از تدابیر باشد که از جنبه ایجابی به مقابله با جرم می‌پردازد و نقش پیشگیرانه دارد.

جرم علاوه بر این‌که متضمن هزینه‌های خصوصی برای فرد است و وی ناگزیر است نسبت به ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم تحلیل هزینه-فایده کند، هزینه‌هایی را نیز به جامعه تحمیل می‌کند. جریمه باید طوری وضع شود که ضمن حداقل‌کردن هزینه‌های اجتماعی جرم، هزینه‌های فردی آن را حداکثر کرده و به این ترتیب بیشترین تأثیر بازدارندگی را بر مجرمین از خود بر جای بگذارد.

۵. چالش‌های پیشگیری از جرایم اقتصادی

تعریف جرم اقتصادی، نخستین چالش در مبارزه با جرایم اقتصادی یا پیشگیری از آن است. قابل ذکر است که جرم اقتصادی واژه‌ای است که در نگاه نخست و با توجه به جهت‌گیری‌های داخلی و بین‌المللی و انعکاس اخبار مرتبط به آن، تقریباً برای بسیاری از افراد اهل فن روشن و قابل درک است. اما با این وصف اجماع کاملی در تعریف آن وجود ندارد و به‌لحاظ رعایت قواعد علمی و برای بررسی و درک دقیق‌تر نیاز به تعریف مشخصی احساس می‌شود. در برخی دیدگاه‌ها اساس نیاز به تعریف مورد تردید قرار گرفته و با پیچیدگی همراه است، با این‌حال تعریف جرم اقتصادی نیز مانند هر واژه‌ای ضرورت دارد و پیش‌زمینه بنیادین برای درک آن است. همچنین با وجود این‌که تعریف جامع و مانع از اصطلاح جرم اقتصادی مشکل است، عدم ارائه تعریف آن قابل قبول نیست. از این‌رو تعریفی از جرم اقتصادی ارائه می‌شود که به اجماع همگانی نزدیک است و می‌تواند گامی برای شفاف ساختن مفهوم و تعریف جرم اقتصادی گردد: جرم اقتصادی به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که نوعاً با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی ارتکاب‌یافته، نتیجه بالقوه یا بالفعل آن اخلال

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، بانکی، حمل‌ونقل، حقوق مصرف‌کننده و ...) می‌باشد (بکر، ۱۹۹۵).

چالش دیگر در پیشگیری از جرایم اقتصادی تفکیک این جرایم است. تفکیک جرایم سبب تفکیک تدابیر پیشگیرانه و متناسب بودن آن‌ها می‌شود؛ زیرا شیوه و نوع پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته یا فساد با جرایم اقتصادی فرق می‌کند، هرچند که در بسیاری از موقعیت‌ها بتوان تدابیر مشترکی در مورد آن‌ها به کار بست. اگر برای پیشگیری از همه این جرایم برنامه یکسانی به‌کار گرفته شود چون مرز و ویژگی‌های آن‌ها متفاوت است، در نتیجه نمی‌توان به هدف مطلوب و مؤثر دست یافت. در این خصوص می‌توان جرایم اقتصادی را بر اساس موضوع، رفتار، حوزه تفکیک نمود. البته باید توجه داشت که هر سه معیار فوق در عرض یکدیگر قرار دارند و برای تفکیک جرایم اقتصادی از دیگر جرایم به هر سه معیار نیاز است. با این‌حال هیچ‌یک از سه معیار به‌تنهایی برای جداسازی جرم اقتصادی از عناوین مشابه کارساز نیستند. این معیارها چالش تفکیک جرایم اقتصادی را به‌طور کامل رفع نمی‌کنند، اما با استفاده از هر سه معیار می‌توان برای جرم اقتصادی ماهیت مستقل در نظر گرفت.

با سه معیار فوق می‌توان گفت که تدابیر پیشگیرانه باید نسبت به رفتارهایی اعمال گردد که نخست، برضد اقتصاد ملی ارتکاب می‌یابد، دوم، این رفتارها چهره‌ای از فساد را داشته باشند و به این دلیل با فساد هم‌پوشانی دارد و سوم، این رفتارها در حوزه فعالیت‌های اقتصادی ارتکاب می‌یابند.

تعیین مصادیق جرایم اقتصادی چالشی دیگر در پیشگیری از جرایم اقتصادی است. زمانی می‌توان از جرایم اقتصادی پیشگیری کرد که مصادیق آن حتی به‌صورت حداقلی توسط قانون‌گذار تعیین شده باشد. چنانچه مصادیق جرایم اقتصادی به‌طور قانونی تعیین شوند، تعیین حقوقی و جرم‌شناختی مصادیق آن نیز در پی خواهد آمد. تعیین حقوقی یا جرم‌شناختی مصادیق جرایم اقتصادی بدون تعیین قانونی مصادیق آن نمی‌تواند چالش پیشگیری را رفع کند.

موضوع پیشگیری یا همان مرتکبین جرم اقتصادی و نحوه برخورد با آن‌ها یکی دیگر از چالش‌های پیشگیری از جرایم اقتصادی است، زیرا در انجام جرم اقتصادی سه گروه احتمالی از مجرمین وجود دارند؛ گروه نخست، اشخاص حقیقی یا همان شهروندان می‌باشند که با آن‌ها بر اساس مقررات کیفری برخورد می‌شود. دوم، اشخاص حقوقی خصوصی و شرکت‌ها که انجام جرم اقتصادی توسط آن‌ها راحت و گسترده، اما چگونگی اعمال مقررات کیفری بر آن‌ها محل بحث و جدل است. شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های بین‌المللی و اشخاص خارجی نیز در این گروه قرار می‌گیرند. سوم، دولت و اشخاص حقوقی دولتی و شبه‌دولتی که در اغلب موارد حداقل یک طرف جرایم گسترده و سازمان‌یافته و فساد می‌باشند. پیشگیری از فساد و ارتکاب جرم توسط دولتمردان قدرتمند

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

و ذی‌نفوذ که خود نیز داعیه مبارزه با مفاسد و جرایم اقتصادی را دارند بسیار مشکل یا حتی غیرممکن است.

بستر پیشگیری از جرایم اقتصادی یکی دیگر از چالش‌های امر پیشگیری است، چرا که برخی از جرایم در داخل قلمرو یک کشور رخ می‌دهند و تدابیر پیشگیرانه در قالب قوانین داخلی اتخاذ می‌گردند. در حالی‌که برای پیشگیری از جرایم بین‌المللی لازم است که تدابیر در سطح منطقه یا در سطح جهانی اتخاذ شود. علاوه بر این با توجه به ظهور فضای گسترده تبادلات الکترونیکی و شکل‌گیری فضای سایبر، بستر مجازی نیز به دو بستر مذکور اضافه شده است.

٦. جرایم اقتصادی در ایران

شاخص‌ها و آمارها نشان از این دارد که وضعیت کشور در زمینه شیوع فساد به‌عنوان بستر اصلی وقوع جرایم اقتصادی مطلوب نیست. از آنجا که مرز مشخصی میان جرایم اقتصادی و فساد نیست و این دو معمولاً به‌جای هم به‌کار برده می‌شوند، نام بردن از جرایم اقتصادی در ایران بار فساد یا دست‌کم بخش عمده‌ای از آن را نیز بر دوش می‌کشد. جرایم اقتصادی و فساد در ایران به گواهی مستندات داخلی و بین‌المللی از یک سو و اذعان مسئولین مربوطه و اخبار روزنامه‌ای و باور مردمی از سوی دیگر، به یک معضل بسیار بزرگ تبدیل شده اند (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲).

طی سال‌های اخیر چند مورد پرونده‌های فساد اقتصادی با ارقام بسیار بالا مطرح شده که در هر کدام از آن‌ها انواع مختلفی از جرایم اقتصادی رخ داده است. پرونده معروف به فساد بانکی ۳ هزار میلیارد تومانی، پرونده بیمه ایران، پرونده منتسب به میلیاردر نفتی با رقم نزدیک به ۳ میلیارد دلار و پرونده فساد بانکی موسوم به ۱۲ هزار میلیارد تومانی از جمله این پرونده‌ها هستند که اشخاص بسیاری در آن درگیر بوده‌اند که بعضاً در زمره مدیران ارشد قرار داشتند. بر این اساس ضرورت پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی و همچنین مقابله با آن بر کسی پوشیده نیست.

بروز و گسترش جرم در هر جامعه مستلزم فراهم‌بودن برخی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بوده و هرگونه بررسی و ریشه‌یابی علل وقوع جرم بدون در نظر گرفتن این زمینه‌ها ممکن است گمراه‌کننده باشد. در این مقاله برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط با جرایم اقتصادی (بعضاً عوامل اقتصادی زمینه‌ساز وقوع جرایم اقتصادی) با ارائه آمارهای مربوطه بررسی می‌شود و برخی از جرایم اقتصادی به‌صورت آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

منابع رسمی ارائه آمار جرم در ایران شامل معاونت آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، دفتر آمار و پردازش داده‌های وزارت دادگستری، اداره آمار معاونت طرح و برنامه نیروی انتظامی هستند

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

که اطلاعات آماری دست اول مربوط به جرم را تولید می‌کنند؛ اما هیچ‌کدام از این منابع اطلاعاتی را که تولید می‌کنند در سطح وسیع و در قالب نشریات معین منتشر نمی‌کنند. علاوه بر این در ارتباط با جرایم اقتصادی مشکل دیگری که وجود دارد این است که دسته‌بندی مشخصی از جرایم اقتصادی وجود ندارد و طبقه‌بندی این آمارها بر اساس نظام حقوقی کشور و مبتنی بر قوانین مدنی و جزایی است. با توجه به این‌که تعریف مشخص قانونی برای جرایم اقتصادی وجود ندارد، آمار برخی جرایم اقتصادی نظیر سرقت، صدور چک بلامحل، تصرف عدوانی و اختلاس، ارتشاء و جعل در قالب نشریاتی مثل سالنامه آماری کشور و آمارنامه‌های استان‌ها در دسترس عمومی قرار می‌گیرد.

عناوین جرایم در سالنامه‌های آماری شامل قتل عمد، قتل غیرعمد، ایراد ضرب‌وجرح، تخریب، اعمال منافی‌عفت، اختلاس، ارتشاء و جعل، سرقت، تصرف عدوانی و مزاحمت، صدور چک بلامحل، شرب خمر، رانندگی بدون گواهینامه، تخلفات راهنمایی و رانندگی، امور خلافی، قذف، پرونده‌های شهرداری، عدم صلاحیت، جرایم اطفال، دعاوی حقوقی، انحصار وراثت، موجر و مستأجر، تصحیح و ابطال شناسنامه، امور حسبی، وقف و وصیت، ازدواج، طلاق، الزام به تمکین، ترک انفال، قرار رد دادخواست یا عدم صلاحیت دادگاه، قرار رد دفتر، عسر و حرج و سایر می‌باشد.

به‌نظر می‌رسد ایراداتی بر دسته‌بندی فوق از جرایم مترتب است که ابهام در برخی از آن‌ها از جمله این ایرادات می‌باشد. در مواردی مثل پرونده‌های شهرداری، دعاوی حقوقی و امور حسبی دقیقاً مورد دعوی مشخص نیست و ممکن است برخی جرایم اقتصادی در این طبقه‌بندی قرار گرفته باشند، همچنین برخی جرایم اقتصادی مثل سرقت مسلحانه یا توأم با تهدید، جیب‌بری، فروش اموال مسروقه، باجگیری، خرید و فروش مواد مخدر و ... در طبقه‌بندی فوق دیده نمی‌شوند.

با توجه به محدودیت‌ها و نواقص مذکور، برخی جرایم اقتصادی که اطلاعات آماری آن‌ها موجود است، مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین با توجه به مطالبی که در خصوص اقتصاد جرم بیان گردید، برخی آمارهای مربوط به مواردی نظیر حجم اقتصاد غیررسمی، نرخ بیکاری، دستمزد در بازار کار رسمی، بودجه خانوار و ضریب جینی که عمدتاً زمینه‌ساز جرایم (از جمله جرایم اقتصادی) هستند یا با میزان جرایم ارتباط دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همان‌طور که بیان شد، در دیدگاه اقتصادی می‌توان عوامل بسیاری را در بروز جرم برشمرد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زمینه‌ساز جرم وجود بیکاری و به‌ویژه بیکاری جوانان است. افراد بیکار از آنجا که درآمد مشخصی ندارند و نیز فرصت‌های خالی زیادی دارند ممکن است به‌منظور کسب سود یا حتی برای رفع احتیاجات روزمره خود وارد فعالیت‌های غیررسمی شوند و اقدام به ارتکاب جرایمی کنند که در صورت داشتن حداقل درآمدی در حد تکافوی نیازهای اولیه هرگز به چنین

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

اعمالی دست نمی‌زدند. نتایج تجربی به‌دست آمده در مورد ایران نیز نشان می‌دهد که با افزایش نرخ بیکاری، پرونده‌های مربوط به جرایم اختلاس، ارتشا و جعل، سرقت، تصرف عدوانی و مزاحمت و صدور چک بلامحل افزایش یافته و ارتباط بین تعداد پرونده‌های مربوط به این جرایم با بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله بیشتر است.

پایین بودن دستمزدها در بازار کار رسمی از دیگر عوامل زمینه‌ساز بروز جرم است. از آنجا که از نظر اقتصادی، افراد همواره به‌دنبال کسب سود هستند، حتی در صورت مهیا بودن فرصت‌های شغلی در حدی که درآمد حاصل از آن حداقل معیشت آنان را تأمین کند، ممکن است باز هم مرتکب جرم شوند. در واقع فرد با مقایسه عواید حاصل از فعالیت در بازار کار رسمی و بازار کار غیررسمی و احتمال کسب سود بیشتر در بازار کار غیررسمی، ممکن است فعالیت غیررسمی را انتخاب کند و در نتیجه احتمال وقوع جرایم در صورت پایین‌بودن حداقل دستمزدها افزایش می‌یابد. نتایج تجربی در مورد ایران طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ نیز نشان می‌دهد که بین حداقل دستمزد به قیمت ثابت ۱۳۹۰ با تعداد پرونده‌های مربوط به جرایم اختلاس، ارتشا و جعل، سرقت، تصرف عدوانی و مزاحمت و صدور چک بلامحل رابطه معکوس وجود دارد به این معنا که با افزایش حداقل دستمزد حقیقی تعداد پرونده‌های مربوط به این جرایم کاهش و با کاهش دستمزد حقیقی تعداد آن‌ها افزایش یافته است.

توزیع ناعادلانه درآمدها در یک کشور عامل اقتصادی-اجتماعی دیگر مؤثر بر وقوع جرم می‌باشد. توزیع ناعادلانه درآمد منجر به بروز شکاف طبقاتی بین اقشار مختلف یک کشور شده و با تغییر ارزش‌ها و هنجارهای موجود در یک کشور می‌تواند زمینه‌ساز بروز جرایم و به‌ویژه مفاسد مالی و اقتصادی حتی در سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی نیز شود. تفاوت بسیار محسوس در سهم دهک‌های بالا و پایین درآمدی از کل درآمد کشور می‌تواند نشان‌دهنده عمق شکاف بین طبقات مختلف شود. ضریب جینی به‌عنوان شاخصی از نابرابری درآمدی نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ بین ضریب جینی و جرایم اختلاس، ارتشا و جعل، سرقت، تصرف عدوانی و مزاحمت و صدور چک بلامحل رابطه مثبت وجود دارد، به این معنا که با افزایش ضریب جینی-که بیانگر افزایش نابرابری درآمدی است- تعداد پرونده‌های مربوط به جرایم مذکور نیز افزایش‌یافته و با کاهش ضریب جینی تعداد آن‌ها کاهش پیدا کرده است. البته در خصوص ۲۰ درصد فقیر جامعه چنین رابطه‌ای وجود نداشته به‌طوری‌که جرم سرقت با سطح درآمد این اشخاص ارتباط معناداری نداشته و ارتباط سه جرم دیگر با سطح درآمد این اشخاص منفی بوده است. سطح درآمد دهک دهم نیز با

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

جرم سرقت ارتباط اندکی داشته، اما جرایم اختلاس، ارتشا و جعل، تصرف عدوانی و مزاحمت و صدور چک بلامحل با سطح درآمد دهک دهم مثبت و معنادار بوده است.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر بروز جرم و افزایش آن، کاهش کارایی پلیس و قوه قضاییه است. مجرمین بالقوه همواره احتمال دستگیری را به‌عنوان هزینه پروسه‌های فعالیت‌های جنایی خود در نظر می‌گیرند. حال اگر این احتمال کاهش یابد با توجه به تحلیل هزینه-فایده احتمال ارتکاب جرایم افزایش می‌یابد. احتمال دستگیری هم رابطه مستقیم با کارایی پلیس و دستگاه قضایی یک کشور دارد. بر این اساس در صورت افزایش کارایی این ارگان‌ها، احتمال وقوع جرایم نیز کاهش می‌یابد.

وجود زمینه فعالیت‌های غیررسمی و عدم شفافیت قوانین مقابله با چنین امری نیز می‌تواند زمینه‌ساز وقوع جرایم باشد. یکی از معضلاتی که به‌ویژه در سال‌های اخیر دامنگیر جوامع مختلف شده، پولشویی است که خود تأثیر به‌سزایی در افزایش زمینه جرم دارد؛ چرا که مجرمین از طریق فرایند پولشویی منشأ درآمدهای نامشروع و غیرقانونی خود را پنهان کرده و به آن وجهه مشروع و قانونی می‌دهند. در صورتی‌که کشورها قوانین مشخص و دقیقی برای مبارزه با چنین پدیده‌ای نداشته باشند، مجرمین به‌راحتی می‌توانند عواید حاصل از فعالیت‌های خود را در بخش رسمی اقتصاد به‌کار گیرند و حتی در صورت دستگیری نیز قسمتی از منافع کسب‌شده از فعالیت مجرمانه محفوظ می‌ماند. بنابراین مهم‌ترین وظایف دولت‌ها تصویب و اجرای قوانین مدون، دقیق و روشن جهت مقابله با پولشویی به‌عنوان بستری مناسب برای وقوع جرایم است.

درجه ریسک‌پذیری افراد یک کشور نیز می‌تواند بر وقوع جرایم مؤثر باشد. از آنجا که جرایم همواره با ریسک دستگیری و نیز محکومیت و تحمل مجازات همراه هستند، افراد ریسک‌گریز تمایل کمتری به ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه خواهند داشت، اما افراد ریسک‌پذیر و علاقمند به ریسک نیز در جامعه وجود دارند که این افراد حتی در صورت پایین‌بودن سود ناشی از جرایم نیز ممکن است مرتکب جرم شوند. بنابراین اتخاذ تدابیری برای کاهش ریسک‌پذیری افراد در ارتکاب اعمال مجرمانه، به‌ویژه تأکید بر آموزش‌های اولیه به این افراد و خانواده‌ها و همچنین استفاده از ظرفیت محیط‌های آموزشی به‌ویژه مدارس می‌تواند در کاهش احتمال وقوع جرم مؤثر باشد.

علاوه بر تحلیل ارتباط بین برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی با جرایم اقتصادی، از طریق نظرسنجی از مدیران، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مرتبط به مبارزه با جرایم اقتصادی از قبیل قوه قضائیه، بانک‌ها، نیروی انتظامی، سازمان بازرسی کل کشور، گمرک، سازمان مالیاتی، بورس اوراق بهادار و ... نیز وضع موجود جرایم اقتصادی در کشور بررسی شده که نتایج حاکی است به‌طور کلی پرسش‌شوندگان در ابعاد مختلف قانون‌گذاری و اجرا دید مثبتی نسبت به وضعیت موجود

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در خصوص مقابله با جرایم اقتصادی ندارند. به‌طوری‌که ۳۵/۱ درصد معتقدند ضعف سیستم نظارتی عامل اصلی بروز جرایم اقتصادی در کشور است. عوامل فرهنگی، فساد دولتمردان، عوامل اقتصادی و خلأ قانونی به‌ترتیب در رده‌های بعدی عوامل بروز جرایم اقتصادی قرار گرفته‌اند. در خصوص اثر سهم بالای دولت از اقتصاد کشور در بروز جرایم اقتصادی ۴۳/۹ درصد پرسش‌شونده‌ها گزینه موافقم و ۳۳/۳ درصد آن‌ها گزینه کاملاً موافقم را انتخاب کرده‌اند.

۴۲/۱ درصد پرسش‌شونده‌ها معتقد هستند که دولت در مبارزه با جرایم اقتصادی نقش اصلی را ایفا می‌کند و قوه قضائیه (۲۸/۱ درصد)، رسانه‌ها (۹ درصد)، بخش خصوصی (۵ درصد) و مجلس (۳ درصد) از این حیث در رتبه‌های بعد قرار گرفته‌اند. ۷۰/۱ درصد اعتقاد دارند که قوانین اقتصادی فعلی با شرایط موجود اقتصاد کشور سازگاری ندارد و انجام فعالیت اقتصادی در چارچوب قوانین موجود دشوار است. ۴۰/۷ درصد معتقدند بیشترین جرایم اقتصادی در بانک‌ها رخ می‌دهد. ادارات دولتی (۱۲ درصد)، شهرداری و بخش خصوصی (۷ درصد) و محاکم قضایی (۶ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. ۴۱/۵ درصد گروه‌های خاص در بخش شبه‌دولتی را منتفع اصلی جرایم اقتصادی در کشور می‌دانند و شبکه‌ای از مدیران و اشخاص خارج از حاکمیت (۳۵/۸ درصد) و اشخاص خارج از حاکمیت (۲۲/۶ درصد) در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. هیچ‌یک از پرسش‌شونده‌ها بر این نظر نیستند که مدیران عالی‌رتبه دولتی یا سران سیاسی اصلی‌ترین نفع را از جرایم اقتصادی در کشور می‌برند.

۸۰/۷ درصد این نظر را دارند که برنامه‌های مناسب و مؤثری برای پیشگیری از جرایم اقتصادی یا مقابله با آن وجود ندارد. ۵۱/۴ درصد معتقدند که دستگاه‌های نظارتی در امر مبارزه با جرایم اقتصادی ناکارامد عمل می‌کنند. ۷۲ درصد معتقدند هستند که اثربخشی قوانین موجود در جلوگیری از تحصیل ثروت از راه‌های غیرقانونی کم (۵۴/۴ درصد) یا خیلی کم (۱۷/۵ درصد) است و در خصوص اجرای قوانین موجود برای جلوگیری از تحصیل ثروت غیرقانونی نیز ۸۴/۲ درصد اعتقاد دارند که این قوانین به‌طور موفق اجرا نمی‌شوند. ۴۲/۱ درصد مخالف و ۱۹/۳ درصد کاملاً مخالف این گزینه هستند که قوانین مناسبی برای حمایت از گزارش‌دهندگان جرایم اقتصادی وجود دارد. ۷۸/۹ درصد معتقدند که نهادهای مؤثری در خصوص نظارت بر عملکرد کارکنان دولت وجود ندارد. ۸۲/۵ درصد این نظر را دارند که قوانین موجود در خصوص اعلام میزان دارایی سیاستمدارن و مدیران عالی‌رتبه به‌درستی اعمال نمی‌شود و ۸۰/۷ درصد نیز معتقدند نهادهای مستقلی برای ارزیابی دارایی‌های سیاستمداران و مدیران عالی‌رتبه وجود ندارد. ۸۰/۷ درصد معتقدند که حمایت قانونی از شهروندان در مقابل درخواست‌های مالی غیرقانونی کارکنان دولت کم یا خیلی کم است و ۷۸/۹ درصد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

نیز بر این عقیده هستند که برای شهروندان راه‌های مناسب و کم‌هزینه جهت انعکاس و پیگیری درخواست‌های مالی غیرقانونی کارکنان دولت وجود ندارد. ۸۷/۸ درصد این نظر را دارند که برای عموم امکان دسترسی به مراجع قضایی جهت پیگیری یک پرونده میسر نیست. ۸۹/۵ درصد طول مدت رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با جرایم اقتصادی را مناسب نمی‌دانند. ۶۳/۲ درصد معتقدند که نمایندگان مجلس در تدوین قوانین زیاد یا خیلی زیاد تحت تأثیر صاحبان منافع قرار می‌گیرند. ۶۲/۵ درصد با این گزینه که بر اساس قوانین موجود رسانه‌ها در بازتاب اخبار جرایم اقتصادی آزادی‌عمل دارند، مخالف یا کاملاً مخالف بوده‌اند و ۵۱/۸ درصد نیز معتقدند ضمانت اجرایی کم یا خیلی کمی برای حمایت از رسانه‌ها در قبال بازتاب اخبار جرایم اقتصادی وجود دارد. ۸۹/۵ درصد این نظر را دارند که میزان هزینه‌های افراد و جناح‌های مختلف در انتخابات از شفافیت لازم برخوردار نیست و همچنین ۹۴/۸ درصد معتقدند منابع مالی افراد و جناح‌های مختلف سیاسی شفافیت لازم را ندارد.

۷۸/۹ درصد اهمیت اعمال سیستم مدیریت یکپارچه هزینه‌ها و درآمدهای دولت را در پیشگیری از جرایم اقتصادی زیاد یا خیلی زیاد می‌دانند. ۶۴/۹ درصد شفافیت واگذاری طرح‌ها و پروژه‌های دولتی را کم یا خیلی کم می‌دانند. ۸۴/۲ درصد با این گزینه که بنگاه‌های خصوصی در رقابت با بنگاه‌های دولتی از حمایت کافی برخوردار هستند، مخالف یا کاملاً مخالف بوده‌اند و همچنین ۶۶/۷ درصد مشارکت بخش خصوصی در تدوین قوانین اقتصادی را کم یا خیلی کم ذکر کرده‌اند. ۴۵/۶ درصد معتقدند که رقابت بین افراد و جناح‌های سیاسی می‌تواند در پیشگیری از جرایم اقتصادی مؤثر باشد. ۷۸/۲ درصد این نظر را دارند که انتخاب مدیران کم یا خیلی کم بر اساس اصل شایسته‌سالاری انجام می‌گیرد.

۷. جمع‌بندی و راهکارهای پیشنهادی

جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های ملی و جهانی عصر حاضر می‌باشد که ایران نیز از این امر مستثنا نیست. با وجود این‌که تلاش‌های زیادی برای پیشگیری از جرایم اقتصادی و مقابله با آن صورت گرفته به‌نظر می‌رسد در عمل توفیق چندانی در این مسیر حاصل نشده که علل مختلف تقنینی، قضایی، اقتصادی و فرهنگی در این خصوص دخیل هستند. پیشگیری و مقابله با جرایم و مفاسد اقتصادی در هر کشور، مستلزم شناخت دقیق زمینه‌های بروز آن‌ها و بررسی علل و ریشه‌های آن در کشور است. برای این منظور ابتدا لازم است که جرایم اقتصادی تعریف و طبقه‌بندی شوند و حتی‌الامکان مصادیق آن‌ها تعیین شود. هرچند ارائه تعریف دقیق و تعیین همه مصادیق جرایم اقتصادی با توجه به

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

گستردگی و تنوع بسیار آن دشوار است و پیشرفت‌های سریع در فناوری و فراهم‌شدن فرصت برای انواع جدید این جرایم پیچیدگی آن را بیشتر می‌کند، با این‌حال از دیدگاه اقتصادی و از لحاظ درآمدها و هزینه‌های ناشی از جرایم و مفاسد اقتصادی می‌توان به طبقه‌بندی آن پرداخت. همچنین از نظر وسعت و شدت آن در سطوح مختلف جامعه اعم از سطوح بالا یا پایین دستگاه‌های دولتی، اتفاقی‌بودن، نظام‌مندبودن، آشفتگی یا سازمان‌یافته بودن آن به انواع مختلفی قابل تفکیک است.

اصطلاح جرم اقتصادی چندین سال است که در ادبیات حقوقی ایران و گفتمان دولتمردان وارد شده، اما تاکنون نه‌تنها در متون قانونی تعریف نگردیده بلکه دکترین نیز به تعریف واحدی از آن دست نیافته است. این امر بر پیشگیری از آن نیز تأثیرگذار بوده است، به این معنا که پیشگیری از این جرایم نیز به لحاظ روشن نبودن مفهوم و جایگاه این جرایم، فاقد برنامه از پیش طراحی شده و هدفمندی است. لازم به ذکر است که آنچه گفته شد به این معنا نیست که مصادیق جرایم اقتصادی طی چند سال اخیر جرم‌انگاری نشده یا سابقه جرم انگاری ندارد، بلکه جرم‌انگاری مواردی از مصادیق آن از جمله ارتشاء و ... که دارای قدمت طولانی بوده، از جرایم سنتی می‌باشند و بنابراین تدابیری که به‌منظور پیشگیری از آن‌ها انجام شده در حقوق ایران دارای قدمت است (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲).

تدابیر مربوط به پیشگیری از جرایم اقتصادی را می‌توان به دو دسته سلبی و ایجابی تقسیم‌بندی نمود که عوامل اقتصادی- اجتماعی در هر دو گروه قرار دارند. به‌عنوان مثال افزایش دستمزد، افزایش اشتغال و کاهش نابرابری در زمره تدابیر ایجابی و جریمه در زمره تدابیر سلبی قرار می‌گیرند.

همان‌طور که عنوان گردیده در دیدگاه اقتصادی می‌توان عوامل بسیاری را در بروز جرم برشمرد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زمینه‌ساز جرم وجود بیکاری و به‌ویژه بیکاری جوانان است. افراد بیکار از آنجا که درآمد مشخصی ندارند و همچنین فرصت‌های خالی زیادی دارند، ممکن است به‌منظور کسب سود و حتی برای رفع احتیاجات روزمره خود وارد فعالیت‌های غیررسمی شوند و اقدام به ارتکاب جرایمی کنند که در صورت داشتن حداقل درآمدی در حد تکافوی نیازهای اولیه هرگز به چنین اعمالی دست نمی‌زدند. نتایج تجربی به‌دست آمده در مورد ایران نیز نشان می‌دهد که با افزایش نرخ بیکاری، پرونده‌های مربوط به جرایم اختلاس، ارتشا و جعل، سرقت، تصرف عدوانی و مزاحمت و صدور چک بلامحل افزایش یافته و ارتباط بین تعداد پرونده‌های مربوط به این جرایم با بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله بیشتر است.

پایین بودن دستمزدها در بازار کار رسمی از دیگر عوامل زمینه‌ساز بروز جرم است. از آنجا که از نظر اقتصادی افراد همواره درپی کسب سود هستند، حتی در صورت مهیا بودن فرصت‌های شغلی در حدی که درآمد حاصل از آن حداقل معیشت آنان را تأمین کند ممکن است باز هم مرتکب جرم شوند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

توزیع ناعادلانه درآمدها در یک کشور، عامل اقتصادی-اجتماعی دیگر مؤثر بر وقوع جرم است. توزیع ناعادلانه درآمد منجر به بروز شکاف طبقاتی بین اقشار مختلف یک کشور شده و با تغییر ارزش‌ها و هنجارهای موجود در یک کشور می‌تواند زمینه‌ساز بروز جرایم و به‌ویژه مفاسد مالی و اقتصادی حتی در سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی نیز شود. تفاوت بسیار محسوس در سهم دهک‌های بالا و پایین درآمدی از کل درآمد کشور می‌تواند نشان‌دهنده عمق شکاف بین طبقات مختلف شود.

همان‌طور که ملاحظه گردید، برخی عوامل اقتصادی- اجتماعی در وقوع جرایم مؤثر هستند و در این بین عوامل اقتصادی ساختارهای اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و تأثیرات قابل توجهی نیز بر علل فردی وقوع جرم دارند؛ از جمله این عوامل می‌توان بیکاری، نابرابری درآمدی، دستمزد حقیقی و کسری بودجه خانوار را ذکر نمود.

بدیهی است که برای پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی در کشور، مانند هر جرم دیگری شناسایی ریشه‌های وقوع آن بسیار حائز اهمیت است. عوامل و پارامترهای اقتصادی و اجتماعی بسیاری در وقوع جرایم اقتصادی نقش دارند که در مطالعه حاضر برخی از مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. می‌توان برمبنای یافته‌های تحقیق و همچنین نتایج سایر مطالعاتی که ذکر گردیدند، توصیه‌های سیاستی زیر را جهت پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی ارائه نمود:

- ارائه تعریف قانونی جرم اقتصادی و تجمیع و پالایش قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی به‌منظور تسهیل امور پیشگیری و کنترل
- جمع‌آوری مناسب و دسته‌بندی‌شده آمار و اطلاعات مربوط به جرایم اقتصادی با مسئولیت یک نهاد مشخص به‌منظور تسهیل بررسی و تحلیل جرایم مختلف و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه متناسب با هر جرم
- تقویت همکاری و هماهنگی بین قوای مختلف با پیش‌بینی یک نهاد فراقوه‌ای
- آموزش و ارتقای سطح آگاهی عمومی نسبت به جرایم اقتصادی از طریق صدا و سیما و پیش‌بینی مواد درسی لازم در دوره‌های تحصیلی دبیرستان و دانشگاه
- پیش‌بینی مشوق‌های مناسب جهت افزایش مشارکت اشخاص و نهادهای مدنی در زمینه شناسایی و معرفی افراد متخلف
- تقویت نقش رسانه‌ها از طریق تأمین استقلال رسانه‌ای و اعمال اصل آزادی بیان
- دسترسی مردم به اطلاعات از طریق انتشار اطلاعات مربوط به امور مالی و مدیریتی دولت
- اتخاذ سیاست‌های حمایتی مطلوب و قاطع در قبال کاشفین و شهود
- شفاف‌سازی فعالیت‌های مالی از طریق گزارش‌دهی دستگاه‌های مرتبط

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

– توجه به نظارت و کنترل فعالیت‌های مالی از طریق طراحی سازوکارهای نظارت فردی و تقویت دستگاه‌های نظارتی

– کاهش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی از طریق خصوصی‌سازی و آزادسازی و تقویت فضای رقابتی

– اعمال اصلاحات مالی از طریق تعدیل قواعد مربوط به حفظ اسرار بانکی، ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به معاملات دولتی، طراحی و پیاده‌سازی سیستم اطلاعات یکپارچه مالی

– در اولویت قراردادن نظارت مالی به‌عنوان ابزاری مؤثر در پیشگیری از وقوع جرایم اقتصادی

– تقویت سازوکارهای مقابله با پولشویی و جرایم سازمان‌یافته

– برخورد جدی با مدیران عالی‌رتبه دخیل در جرایم اقتصادی بدون توجه به پست و مقام و پرهیز از هرگونه مماشات با این افراد

– توجه جدی به مقوله بیکاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب اشتغال‌زا جهت کاهش بیکاری به‌ویژه برای جوانان

– تعیین حداقل دستمزد به‌صورت مناسب به‌طوری‌که یک خانوار نمونه با درآمد حاصل از اشتغال یک نفر بتواند قادر به تأمین حداقل‌های معیشتی خود باشد.

– کاهش نابرابری درآمدی از طریق سیاست‌های مناسب و اصلاح الگوی توزیع درآمدی در کشور به‌طوری که فاصله طبقاتی کاهش یابد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

منابع

امین‌خاکی، علیرضا (۱۳۹۱)، "آسیب‌شناسی تحقق درآمدهای مالیاتی با رویکردی بر جرم فرار مالیاتی"، *فصلنامه کارآگاه*، دوره دوم، سال ۲۱،شماره ۶، صص ۶۵-۲۵.

بکاریا، سزار (۱۳۸۰)، *جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

بولک، برنار (۱۳۸۶)، *کیفرشناسی*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۲)، *پیشگیری از جرایم اقتصادی*، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

حسینی‌نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۴)، "بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی: مورد سرقت"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۹۵، صص ۸۲-۳۵.

حسینی‌نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۳)، *اقتصاد جرم و جنایت* در ایران، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

خضری، محمد (۱۳۸۴)، تحلیل نهادی فساد اداری، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۹،صص ۵۳۰-۵۱۳.

خضری، محمد؛ تربتی‌مقدم، فرهاد و محمد نظری (۱۳۹۰)، "شناسایی زمینه‌های فساد اقتصادی در مناقصه‌های دولتی"، *اقتصاد تطبیقی*، سال ۱، شماره ۲، صص۸۶-۶۳.

روستایی، مهرانگیز (۱۳۸۸)، "ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی"، *فصلنامه کارآگاه*، سال ۷، صص ۳۱-۶.

زارعی، محمدحسن (۱۳۷۳)، *تناسب جرایم و مجازات‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

زمانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، "درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی"، *فصلنامه کارآگاه*، سال ۷، صص ۵۵-۳۲.

زمانی، علی‌اکبر و عبدالرضا بایاری (۱۳۹۱)، "نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش جرایم و مفاسد کلان اقتصادی"، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال ۳، شماره ۴، صص ۱۶۴-۱۳۳.

شایگان، فرهاد (۱۳۸۹)، "تدابیر جامعه جهانی جهت مبارزه با جرایم اقتصادی"، *فصلنامه کارآگاه*، سال ۱۲، شماره۳، صص ۱۰۵-۸۵.

شمس‌ناتری، محمد ابراهیم و توران توسلی‌زاده (۱۳۹۰)، "پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی"، *فصلنامه حقوق*، سال ۲۴، صص ۲۱۸-۱۹۹.

صادقی، حسین؛ نجفی، نرگس؛ وفایی‌یگانه، رضا و حسن محمدغفاری (۱۳۸۹)، *اقتصاد* جرم، چاپ اول، همدان: انتشارات نور علم، ص ۶۸.

صمدی، علی‌حسین و جواد آماره (۱۳۸۹)، "جرایم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی: اقتصاد ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۴)"، *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، سال ۱۴، صص ۹۲-۶۹.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۸)، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، چاپ ششم، تهران: نشر میزان و نشر دادگستر.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

یوسفی‌مراغه، مهدی، علی سعادت و قادر زارع مهدوی (۱۳۹۲)، "علل ارتکاب جرایم اقتصادی و راهکارها"، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال ۳، صص ۱۷۰-۱۴۵.

Agha, Salman & Das. Rituparana (2013), "Study of Economic Crimes in India with Special Emphasis on Financial Market Crimes and Control Measures", http://ssrn.com/abstract=2340506.

Becker, G. S. (1968), "Crime and Punishment: an Economic Approach", *journal of Political Economy*, Vol. 76, No. 2, PP, 169-217.

Becker, Gary (1995), "The Economics of Crime", *Federal Reserve of Richmond* Vol. 12, PP. 9-15.

Garoupa, Nuno (2001), "Optimal Magnitude and Probability of Fines", *European Economic Review*, Elsevier, Vol. 45, No. 9. PP. 1765-1771.

Ghitescu, Filip R & Mihai Banciu (2001), "Economic Crime in Romania", *The Journal of Social, Political, and Economic Studies*, Vol. 26, No. 4, P. 643.

Grabosky, Peter (2001), "The Prevention and Control of Economic Crime", Peter Larmour and Nick Wolanin, Corruption and Anti-Corruption, First, Asia Pacific Press, Canberra, ACT, PP. 149-158.

Raj Bhusal, Dharma (2009), "Economic Crime; Law and Legal Practice in the Context of Nepal", https://www.deutsche-digitale-bibliothek.de/binary/IP5V7V5WJYHWXG6RHMPZUCLS3EA7BBTV/full/1.pdf.

Wei-Siew Liew, Samuel, Puah, Chain-Hong & Harry Entebang, (2011),"White-Collar Crime: a Statistical Study on its Common Causes", *International Journal of Business, Management and Social Sciences*, Vol. 4, No. 2, PP. 44-49.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]